

نظریات علمای بزرگ مسلمان



محمد عطاران

درباب تربیت کودک

قسمت دوازدهم

جایگاه ورزش در برنامه آموزشی:

تربیت بدنی به آمادگی جسمانی فرد توجه داشته و می‌کوشد فرد را در بهره‌برداری مطلوب از نیروهای بدنی خود راهنمایی و یاری کند و نیز فرصت‌هایی فراهم آورد که کودکان به فعالیت‌های بدنی لازم و مطلوب پرداخته و بین فعالیت‌های ذهنی خود تعادل برقرار کنند. از این رو اسلام نیز مسأله ورزش و تقویت جسم را مورد توجه قرار داده، از مسلمانان می‌خواهد که با جدیت تمام، خود را از نظر جسمی رشد دهند. حتی برای برخی از ورزش‌ها همچون تیراندازی سوارکاری و شنا که از نقشی اساسی‌تر برخوردارند، سفارشات بسیار نموده و در مورد تیراندازی شرط‌بندی را جایز دانسته است.^{۶۱} علی‌رغم این تأکیدات در مکتب‌خانه‌های جوامع مسلمان این موضوع

به اهمال برگزار شده است. دلیل این عدم توجه را می‌توان در آن دانست که معلمین این مراکز آموزشی، فقیه و متخصص در علوم دینی بوده، همت در آموزش قرآن به اطفال داشتند و فاقد تخصص لازم در تعلیم تیراندازی و شنا بودند، دیگر آنکه مکان مکتب‌خانه عموماً مکانی محدود بود و عبارت از اتاقی در منزل یا دکانی بود که اکثراً امکان تدریس تنها یک معلم در آن فراهم بود، به خلاف مدارس امروز که بنایی جداگانه می‌باشند و در آن حیاطی برای بازی و تفریح وجود دارد و وسعت لازم برای انجام حرکات ورزشی را دارا می‌باشد.

در میان متفکران مسلمان، ابن سینا به این موضوع توجه داشته می‌گویند که تا سن چهارده سالگی نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود بلکه باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد. به عقیده ابن سینا ورزش‌های کودک می‌تواند عبارت از راه‌پیمایی، پرش،

توپ‌بازی، طناب‌بازی، دو، کشتی، اسب‌سواری، شمشیربازی و... باشد.^{۶۲} ولی برخی فقها چون غزالی به سبب شدت توجهشان به آخرت و اعراض از امور مادی و دنیایی در این باره بحثی را مطرح نکرده‌اند. البته سلامت بدن در هر شکلی از نظر آنها لازم بوده است ولی تربیت بدنی تنها منتهی به سلامت بدن نمی‌شود، بلکه نیرومندی، زیبایی و چابکی اندام از منافع آن می‌باشد و این نتایج از موضوعاتی نبوده که در نظر این فقها به حساب آید.

بازی و برنامه آموزشی:

تربیت‌های قدیم — عموماً — بازی را ضایع کننده وقت می‌دانستند و لذا میان کودک و بازی اوفاصله زیادی وجود داشت. علت آن، این بود که قدماً کودک را به منزله مردی بزرگ می‌بنداشتند

و از او رفتار بزرگترها را توقع داشتند.

عدم آشنایی قدما با طبیعت کودک و میل طبیعی او به جنبش و بازی، موجب آن شده بود که آنان بازی را از تخیلفات مستوجب تنبیه بشمارند. چنین نگرشی نسبت به بازی، خواه و ناخواه، موجب آکراه اطفال از حضور در مکتب خانه می شود. از ویژگی های آدمی آن است که اگر چیزی را دوست ندارد، به آن روی آورد. و به استقبالش می رود، ولی اگر امری او را ناخوشایند آید، سعی بر دوری و انصراف از آن می ورزد.

لذا مشاهده فرار کودکان از مکتب خانه های قدیم، شگفت و عجیب نیست چرا که در آنجا مجالی برای جنبش و بازی نبود. از این روابط تمایل به گریز از مکتب خانه داشتند و شواهد نشان می دهد که این مسئله، امری متداول بوده است. چنانکه قابسی در عبارتی تصریح بر آن دارد، آنجا که می گوید: «پس اگر کودک تخلفی از قبیل اذیت و آزار، بازی، فرار از مکتب خانه و اصرار بر بطالت و بیکارگی داشت باید...»^{۶۳}

جاحظ بیان می کند که «روزی از کنار خرابه ای گذرمی کردم، که ناگهان در کنار آن معلمی را دیدم که صدایی شبیه به بارس سگان از خویش آواز می دهد. لختی ایستاده و درکار او نظاره کردم. لحظاتی پیش نگذشت که دیدم از خانه ای کودکی

در مقابل مکتب خانه، رنج برده در صدد حل آن بودند و لکن به علت اصلی این مشکل که منع اطفال از بازی می باشد، راه نیافته بودند.

غزالی درباره بازی - همچون سایر مسائل - از دریچه شرع وارد شده و در پی اثبات مباح بودن آن - به شکل عام - برمی آید. در این باره می گوید: «و دلیل بر آنکه طبیعت و بازی و نظاره در آن حرام نیست، آنست که عایشه (رض) روایت می کند که روز عید در مسجد زنگیان بازی می کردند، رسول (ص) مرا گفت خواهی که بینی؟ گفتم: خواهم، بر در بایستاد و دست پیش برداشت تا زنخدان بردست وی نهادم و چندان نظاره کردم که چند بار گفت که بس نباشد گفتم: نی. و از این خبر پنج رخصت معلوم شد. یکی آنکه بازی و لهو و نظاره در وی - چون گاه گاه باشد - حرام نیست و در بازی زنگیان رقص و سرود بود دوم آنکه در مسجد می کردند، سوم آنکه در خیراست که رسول (ص) در آنوقت که عایشه را آنجا برد گفت به بازی مشغول شوید. این فرمان باشد، پس بر آنچه حرام باشد، چون فرماید، چهارم آنکه ابتدا کرد و عایشه (رض) را گفت خواهی که بینی؟ و این تقاضا باشد - نه چنان باشد که اگر وی نظاره کردی و وی خاموش بودی -، روا بودی که کسی گفتی که نخواست که ویرا برجانند که آن از بد خوئی باشد. پنجم آنکه خود با عایشه

دخترکان من اند، گفت این چیست بر این اسب؟ گفت: پروبال است، رسول (ص) گفت: اسب را بال از کجا بود؟ گفت: نشنیده ای که سلیمان را اسب بود با پروبال؟ رسول (ص) تبسم کرد تا همه دندانهای وی پیدا شد و این از بهر آن روایت می کنم که فرایی کردن و روی ترش داشتن و خوبستن از چنین کارها فراهم گرفتن از دین نیست، خاصه با کودک و با کسی که کاری کند که اهل آن باشد و از وی زشت نبود.^{۶۵} غزالی در جای دیگر به تمایل کودک به بازی اشاره نموده و آن را جزء طبیعت کودک می داند: «اگر کودکی ما را پرسد که لذت ریاست و سلطنت و مملکت داشتن چگونه لذتی باشد؟ با وی گوئیم: همچون لذت چوگان زدن و گوی بازییدن که وی جز این لذات نداند، و هر چه ویرا نبود بقیاس آن تواند شناخت که ویرا باشد.»^{۶۶}

از این رو، از نظر غزالی، تمایل طفل به بازی کردن جای شگفت و تعجب ندارد، چرا که جزء ویژگی های روانی وی محسوب می شود، و بدین سبب غزالی توصیه به بهره برداری از این تمایل در جهت آموزش کودک نموده، می گوید: «اگر کودک را گویند: به دبیرستان شونا به درجه ریاست رسی، او خود ریاست نداند که چه باشد، بدان کار چون رغبت کند و لیکن باید گفت: برو تا شانگاه چوگان و گوی به تو دهم تا بازی کنی بدان، تا کودک به حرص

* در میان متفکران مسلمان، ابن سینا به این موضوع توجه داشته می گوید که تا سن چهارده سالگی نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود بلکه باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد.

بیرون آمد، به محض خروج کودک از منزل، معلم به او نزدیک شده، او را گرفت و شروع به فحاشی و تنبیه او نمود. نزد او رفته از ماجرا، وی را جویا شدم، معلم در پاسخ گفت که این کودک از درس خواندن گریزان است. و از مکتب خانه فرار کرده و به خانه می رود و دیگر بیرون نمی آید. از سویی او صاحب سگی است که همیشه با آن بازی می کند و همینکه آواز من را می شنود، در خیال بازی با سگ بیرون می آید، پس من هم او را گرفته به مکتب خانه می برم.»^{۶۷}

معلمین مکتب خانه از چنین واکنشی

بایستاد ساعتی دراز، با آنکه نظاره بازی کار وی نباشد و بدین معلوم شود، که برای موافقت زنان و کودکان - تا دل ایشان خوش شود - چنین کارها از خلق نیکو بود و این فاضلتر بود از خوبستن فراهم گرفتن و پارسایی و قرایی کردن. و هم در صحاح است که عایشه روایت می کند. که من کودک بودم و لعبت بسیار استمی - چنین که عادت دخترانست چند کودک دیگر بنزدیک من آمدندی چون رسول (ص) درآمدی، کودکان باز پس گریختندی، رسول (ص) ایشانرا بنزدیک من فرستادی، یک روز کودکی را گفت که چیست این لعبت ها؟ گفت: این

این بشود.»^{۶۷} همچنین غزالی، به جهت آنکه کودک در بازگشت از درس، تجدید قوا کند. به پدر توصیه می کند که «لازم است که کودک پس از مراجعه از مکتب خانه اجازه بازی یابد، بازی ای زیبا تا از رنج مکتب فارغ شود، آن هم بگونه ای که بازی موجب تعب و رنج او را فراهم نیآورد، پس اگر کودک از بازی، بازداشته شود و دائماً به یادگیری الزام گردد، قلبش را میرانده، موجب بطلان هوش او می شود و زندگی بروی تیره می گردد، آنگونه که در اندیشه حیل و مکر برای خلاص از آن (درس خواندن) می افتد.»^{۶۸}

خواجه نصیرنیز برای رفع خستگی از تحصیل مشروط بر اینکه خودبازی درد و رنج نداشته باشد، و برای تجدید قوا، بازی کودکان را لازم می‌داند.^{۶۱} بهر روی، همانگونه که از عبارات غزالی و خواجه و بسیاری از متفکران گذشته معلوم است، آنان بازی را نوع رفع خستگی می‌دانند. به اعتقاد برخی صاحب نظران مسائل

اما این دید سطحی و ساده گیرانه نه اهمیتی را که بازی در نظر خردسالان دارد بیان می‌کند و نه صورت ثابتی را که بازی های کودکان مثلاً بازی های نمادی یا خیالی آنان به خود می‌گرد مدلل می‌سازد. تئوری دیگر درباره بازی تئوری «انرژی اضافی می‌باشد». شیلرو هربرت اسپنسر بازی را به منزله کوششی که موجبات آزاد شدن نیروی

آدلر معتقد است که بازی به کودکان امکان می‌دهد که میل به برتری جویی و خودنمایی خویش را به سادگی نشان داده و آنها را آرام سازند. بدین معنی که کودکان خردسال در بازی های خویش واقعیت را با توجه به خواست های خود دگرگون جلوه می‌دهند.^{۷۵} کارل گروس از راه مطالعه بازی های جانوران به نظریه ای

*** پس اگر کودک ازبازی، بازداشته شود و دائماً به یادگیری الزام گردد، قلبش رامیرانده، موجب بطلان هوش او می‌شود و زندگی بروی تیره می‌گردد، آنگونه که در اندیشه حيله و مکر برای خلاص از آن (درس خواندن) می‌افتد.**

تعلیم و تربیت، اولین متفکری که به بازی، از این دیدگاه نگریست. ارسطو می‌باشد. به اعتقاد ارسطو تعلیم و تربیت باید شهروندان را مهیا برای عمل^{۶۲} و فراغت^{۶۱} نماید. منظور او از عمل هرگونه کاری بویژه اعمال سیاسی و اخلاقی می‌باشد و از فراغت، اوقات آزادی را در نظر دارد که با فعالیت های عالی عقلانی، بویژه تفکر و تامل، مشخص می‌شوند. سرگرمی و بازی، از نظر ارسطو جزئی از فراغت یا عمل نمی‌باشد گرچه می‌تواند بازی فی نفسه مطلوب و رضایت آور باشد. از دیدگاه وی بازی تنها ابزار بازسازی و تجدید قوا و رفع خستگی برای کار بیشتر می‌باشد. ارسطو می‌گوید: «با نظری به اطفال تربیت یافته، آشکار می‌شود که سرگرمی و تفریح، خود هدف نیست چرا که یادگیری و بازی،

اضافی کودک را فراهم می‌سازد، تلقی می‌کنند براساس تئوری مذکور، نیروهای زائد در کودک می‌باید بوسیله فعالیت هایی که هدف واقعی ندارند، یعنی در بازی به مصرف برسد. به بیان دیگر در انسان نیرویی وجود دارد که از آنچه برای بقای زندگی لازم است، بیشتر است و نیروی محرک بازی نیز از همین نیروی اضافی مشتق میشود.^{۶۳} براساس فرضیه مربوط به آزاد شدن نیروی اضافی از راه بازی، فرضیه دیگری به نام «کاتارزیس یا پاک ساختن عواطف» توجه کارشناسان را به خود معطوف ساخت. مطابق این نظریه انسان گرفتار خواست ها و سرشت هایی مانند ستیزه جویی، ناسازگاری و نافرمانی است و بازی به او امکان می‌دهد که آنها را بطور بی ضروری و بی خطر ارضا کند. ارسطو بر این جنبه از بازی نیز

واصل شد که با دید متداول کاملاً فرق دارد به نظر او بازی تمرینی آماده کننده برای زندگی و سودمند برای رشد جسمانی آدمیزاد است و همچنانکه بازی جانوران در حکم تمرین غریب مشخص و معینی مانند غریزه پیکار و شکار است، کودکی هم که بازی می‌کند ادراک و هوش و تمایل خود به آزمایش کردن و نیز غرایز اجتماعی و نظایر آن را در ضمن این کار قوت می‌بخشد.^{۶۶} فرضیاتی که درباره بازی بیان نمودیم فرضیات دیگری که پس از آن درباره بازی عنوان شده، نشانه توجه و اهمیتی است که در قرون اخیر برای بازی کودکان قائل شده‌اند. روسو اولین افرادی بود که در قرون اخیر در ارتباط با کودکان بازیگرو بازیگوش گفت: «تنها از بیجه شیطان امروز مرد کار آمد فردا توان ساخت.»^{۶۷} و در

*** با نظری به اطفال تربیت یافته، آشکار می‌شود که سرگرمی و تفریح، خود هدف نیست چرا که یادگیری و بازی، نمی‌توانند با یکدیگر همراه شوند. از آن جهت که یادگیری مستلزم رنج و درد است.**

نمی‌توانند با یکدیگر همراه شوند. از آن جهت که یادگیری مستلزم رنج و درد است. «از این رو بازی اطفال، تنها از آن جهت ضرورت می‌یابد که موجب رفع خستگی ناشی از تحصیل — آن هم تحصیلی رنج آور — شده و آنان را مهیای یادگیری بیشتر می‌کند.»^{۶۲}

تأکید داشته و معتقد است که در بازی نیرویی نهفته شده که روان آدمی را از خواست های ناسودمند و احساسات و امیال چرکین پاک می‌سازد و عواطف آدمی بخشی از خواص خطرناک و ناخوشایند خود را به هنگام بازی از دست می‌دهند و پاک می‌شوند.^{۶۴}

دنباله او فروبیل در حدود یک صد و شصت سال پیش بر نقش عظیم بازی به عنوان وسیله آموزشی تأکید کرد. تحت تاثیر آثار فروبیل و دیگر مربیان اکنون بازی به عنوان یکی از عناصر اصلی آموزش و پرورش کودکان تلقی می‌شود. و بازی به شکل اهرم نیرومند یادگیری در نزد

کودکان درآمده است به حدی که هر جا توانسته‌اند آشنا کردن کودکان با خواندن و حساب یا درست نویسی را به صورت بازی درآورند مشاهده می‌شود که کودکان به این کارها که در گذشته معمولاً نوعی بیگاری گرفتن محسوب می‌شد، عشق می‌ورزند و آنها را با شوق و ذوق انجام می‌دهند.

ژان شاتور روانشناس مشهور فرانسوی در کتاب خود به نام «بازی کودکان» اهمیت بازی را چنین بیان می‌کند: «بازی در دوران کودکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ارزش بازی‌ها در شکل دادن به رفتار و اندیشه‌های کودک تا آن حد است که می‌توان آنها را تنها نشانه‌ی شناخت رفتار کودکان از بزرگسالان دانست»^{۷۸}

ارزش و اهمیت بازی در دوران کودکی نکته‌ای است که در روایات اسلامی بدان اشاره شده است. «پیامبر اسلام پدران و مربیان را گوشزد می‌نماید که هرگاه در کودکان خود جنبشهای فوق‌العاده و به اصطلاح شیطنیت مشاهده کردند از او مأیوس و نومید نگردند. زیرا ممکن است این حالت یعنی شدت علاقه به بازی و فعالیت فوق‌العاده او در خردسالی منجر به اخلاق فاضله او به هنگام بزرگسالی شود.» «عرامة الصبی فی صفره زیاده فی عقله فی کبره»^{۷۹} شیطنیت و لجاجت کودک به هنگام خردسالی نشانه‌ی زیادی عقل او در بزرگسالی است؛ و با صالح بن عقبه روایت می‌کند که من از عبد صالح امام موسی بن جعفر (ع) شنیدم که فرمود: «يستحب عرامة الغلام فی صفره لیكون علیماً فی کبره ثم قال: ما ینبغی الا ان یکون هکذا»^{۸۰} شایسته است، کودک به هنگام خردسالی، بازیگوش و شرورباشد تا در بزرگسالی صبور و شکیب گردد، سپس فرمود، شایسته نیست کودک، جز این باشد.

و نیز روایت شده است که زیرکترین کودکان، اطفالی هستند که از مدرسه و محل گریزان‌اند، یعنی بازیگوش هستند. مجلسی دوم در ذیل این روایت «عرامة» را به بد اخلاقی و فساد و شیطنیت و بالاخره شدت علاقه کودک به بازی و فرار از مدرسه تفسیر کرده است و اضافه می‌کند که این حالت در کودکان نشانه‌ی عقل و استقامت آنها در هنگام بزرگسالی است. و باید طفل این چنین باشد اما اگر کودکی مطیع و بی جنبش و با اصطلاح خوش اخلاق و آرام باشد، هنگام بزرگسالی کم هوش و کم استقامت است، چنانکه این امر نیز به تجربه رسیده است.^{۸۱}

مع هذا با تمام این تأکیدات، از نظر مربیان مورد بحث ما، بازی تنها آن جا می‌تواند بکار آید که موجب تجدید قوای جسمانی و رفع خستگی ناشی از تحصیل زنج آور شود، حال آنکه نقش بازی همانگونه که ذکر کردیم، تنها همین بهره را برای کودک ندارد. بازی در زندگی کودک نقش مهمی داشته، کودک نه تنها از بازی لذت می‌برد، بلکه در ضمن بازی فرصت‌های خوبی برای بیان احساسات خود پیدا می‌کند. بازی در رشد عاطفی کودکان مؤثر است و علاوه بر اینکه کودک ضمن بازی طرز ابراز عواطف مختلف را فرا می‌گیرد، بتدریج بهتر می‌تواند عواطف خویش را کنترل نماید. محبت کودکان نسبت به هم مانع ایجاد اضطراب و ناراحتی

در میان ایشان است. بازی در رشد اجتماعی و عقلانی کودکان نیز تأثیر دارد. مشکلاتی که کودک در بازی با آنها روبرو می‌شود و کوشش وی برای حل آنها، قدرت او را برای برخورد با مسائل در دوره‌های بعدی زندگی، افزایش می‌دهد بچه‌ها ممکن است در بازی هدف مشخصی نداشته باشند ولی بسیاری از هدف‌های اساسی تربیتی را در زمینه اجتماعی، عاطفی، عقلانی و بدنی برای کودکان از طریق بازی می‌توان تأمین نمود. بچه از طریق بازی می‌تواند اعضا و عضلات خود را قوی و سالم سازد و خود را از حالت رکود و افسردگی نجات دهد. شرکت بچه در بازی او را از حالت تفرد خارج ساخته و روح همکاری، اشتراک مساعی و رفاقت را در او بوجود می‌آورد.

* بازی در دوران کودکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ارزش بازی‌ها در شکل دادن به رفتار و اندیشه‌های کودک تا آن حد است که می‌توان آنها را تنها نشانه‌ی شناخت رفتار کودکان از بزرگسالان دانست»

- ۶۱ - در کتب فقهی بابی تحت عنوان «سبق و رمایه» تدوین شده که مسائل مربوط به سوارکاری و تیراندازی را بیان کرده‌اند. برای نمونه به کتاب مشهور «اللمعة الدمشقیة» مراجعه کنید.
- ۶۲ - تاریخ فرهنگ ایران ص ۱۳۹.
- ۶۳ - التزییه فی الاسلام ص ۱۲۹.
- ۶۴ - زهر الربیع ص ۱۱۵.
- ۶۵ - کیمیای سعادت ج ۱ ص ۳۷۱ و ۳۷۲.
- ۶۶ - پیشین ص ۵۴.
- ۶۷ - کیمیای سعادت ج ۱ ص ۴۳۸.
- ۶۸ - احیاء علوم الدین (عربی) ج ۳ ص ۷۳.
- ۶۹ - تاریخ فرهنگ ایران ص ۱۶۵.
- ۷۰ - عمل action
- ۷۱ - فراغت leisure

72- Three historical philosophies of education. P.66-72.

۷۲ - نظریاتی درباره بازی ص ۹۵.